

در قانون دادگاه آزاد و مخیر در اعمال این دو مجازات تکمیلی میباشد و این معنی از عبارات :
 « ... همچنین دیوان جنائی و محکمه جنحه میتوانند در ضمن حکم خود مقرر دارند الخ ... » استفاده میشود
 حال بيمورد نمی بینیم که در مبحث دوم این قسمت موضوع مشخصات حقوقی اقامت ممنوع و اجباری رادر قانون فرانسه بررسی کرده و آنرا با قانون جزاء فعلی ایران مقایسه نمائیم .

دکتر ابراهیم یاد

اختیاری بخود میگیرند بدین معنی که دادرس آزاد بوده و بنابه تشخیص خود و بادر نظر گرفتن اوضاع و احوال قضیه میتواند آنرا در حکم خود تصریح بکند و یا نکند
 مثلا ماده ۲۲۸ سابق الذکر بالاستعمال کلمه ممکن است کاملا میرساند که منع از اقامت در مکان مخصوص در باره تکرار جرم سرقت اختیاری میباشد .

همچنین طبق ماده ۱۹ قانون مجازات عمومی بطور کلی در خصوص مجازاتهای اصلی جنائی و جنحه مذکوره

دژنر سانس و تبه کاری

تبه کاری عبارت از ارتکاب اعمال جنحه و جنایت و کارهای مخالف انتظام جامعه میباشد .

دانشمندان تبه شناس همیشه در صدد بوده اند که بنحوی به خصوصیات جسمی و روانی افراد تبه کار پی برند . و علائم و نشانهائی که مشخص تبه کاری باشد معین کنند تا بالتلیجه بتوان با جدا ساختن اندسته جامعه را از شر آنان محفوظ داشت . پنجاه سال پیش در دوره لومبروزو (۱) دانشمند ایتالیائی این موضوع به اهمیت پیشین خود رسید بقسمیکه استاد نامبرده فرضیه معروف خود را بر پاساخت که طبق آن تبه کار دارای ساختمان مخصوص بخود بوده و کسیکه واجد خصوصیات ساختمانی تبه کاری باشد خواه ناخواه تبه کار خواهد شد و یا بعبارت دیگر شخص جانی تبه کار بدنیا میآید و از این جهت میتوان او را بیماری پنداشت که خلقتش چنین شده است .

لومبروزو حتی در بیان اهمیت فرضیه خود بمرحله اغراق رسیده و مدعی گردید که هر گونه عیب ساختمانی

پیش از اینکه وارد بستگی دژنر سانس با تبه کاری شویم به بیان منظور خود از این کلمات میپردازیم .

دژنر سانس عبارت از پیدایش خصوصیتی است که در اثر مختل شدن نمو و تکامل اندام و روان انسانی عارض میگردد پیدایش این اختلال ممکن است بعلت وجود نقیصه های ارثی Tars hereditarius باشد که از بدو امر نطفه را آسیب دهد و یا در اثر عارض شدن حالات عفونی مسمومیتها در دوره جنینی بمادر باشد که بدانجهت نمو جنین دستخوش آفت گردد و یا بالاخره به سبب دچار شدن نوزاد یا طفل به بیماریهای گوناگون باشد که موجبات وقفه در نمو قوای فزیکتی و روانی نوزاد یا طفل فراهم گردد .

بطور کلی میتوان گفت که دژنر سانس عبارت از بیماری خاصی است که مبتلا بآن دارای مقاومت اندامی و روانی با تداوم آباء و اجداد خود ندیده و در نبرد حیاتی شرایط اصلی و اصول ارثی زندگی را کاملا نتواند بکاربرد .

عوامل خارجی در تبه کاری در سالهای اخیر حائز اهمیت خاصی گردیده بطوریکه پیروان لمبرزو ایتالی نیز بان گردیده اند.

باید دانست که درباره این موضوع نیز مانند سایر موضوعهای درهم و برهم دانش زندگی Biologie هنوز پرده از روی اسرار آنان برداشته نشده و حقیقت آشکارا نگردیده است دانشمندان مختلف الرأی در بیان نظریه خود راه اغراق پیموده و هر کدام بر حسب اقتضای زمان اصول متضادی را برپا ساخته اند. امروزه آنچه مسلم شده و از بررسیهای همگانی درباره دژنرسانس و تبه کاری میتوان نتیجه گرفت اینست که هر چند نمیتوان قائل شد که تبه کار کسی است که ساختمانش شایسته چنین کرداری است و مبتلایان به تقیصه های خلقی Tair de Dejeuvsceuce خواه ناخواه در وادی کردار زشت قدم خواهند گذارد ولی مسلم است که بسامبتلایان به دژنرسانس و کژری غریزه Perversion instinctive که به دیوانه های اخلاقی Fous moraur نامیده شده اند مرتکب تبه کاری میگردند و بسا اطفال کژخو و فاسد اخلاق که تحت تأثیر سرزنش واقع نمیشوند و به کیفیات اخلاقی اهمیت نمیدهند دیر یا زود تبه کار خواهند شد.

باجدیدتیکه امروزه دانشمندان تبه شناس در کشف علل و عوامل تبه کاری بکار میبرند میتوان امیدوار بود که روزی علل اصلی و فرعی تبه کاری تمیز داده شود اما می توان گفت تا زمانی که ماهیت فکر و چگونگی رابطه آن با اندام و بالتیجه میزان بستگی عیبهای ساختمانی با اختلالات روانی بدست نیاید نمیتوان قواعد کلی برپا ساخت و جامعه انسانی را از شر تبه کاران پیش از بروز کردارشان رهائی بخشید.

دکتر چهارازی

بالتوئی تبه کاری بستگی دارد و برای هر دسته تبه کاران علائمی مشخص نبود و اظهار میداشت که بارعایت آن خصوصیات میتوان از بدو امر دزد را از آدم کش و جانی را از کلاه بردار تمیز داد.

فرضیه لمبرزو چندسالی در همه جای دنیا مورد بحث و تدقیق قرار گرفت و برخی از دانشمندان آنرا تصدیق نموده و بعضی دیگر آنرا رد کردند میانها ایندسته اخیر از همه مهمتر بررسیهای دونفر از دانشمندان فرانسه مائیان (۱) و گارنیه (۲) شایان اهمیت میباشد چه ایشان ثابت کردند که همیشه میان دژنرسانس و تبه کاری بستگی تامی وجود ندارد دلایل این دانشمندان بقرار زیر میباشد اولاً - تمامی مبتلایان به دژنرسانس در تبه کاری وارد نمیشوند و همه ماهه تعداد زیادی از مبتلایان به شکلهای گوناگون دژنرسانس مشاهده میشود بدون اینکه هیچگونه سابقه تبه کاری داشته باشند.

ثانیاً - میان تبه کاران که مورد معاینه واقع شده اند تعداد مبتلایان به دژنرسانس فراوان نیست. ثالثاً - بیشتر بدترین تبه کاران فاقد هر گونه علائم دژنرسانس میباشد.

رابعاً - بسا مبتلایان به دژنرسانس مشاهده میشود که برآستی و درستی متصف میباشند.

گارنیه متذکر میشود که بدلائل نامبرده نمیتوان رابطه مطلق میان عیبهای اندامی و اختلالات روانی قائل گردید و نباید تطابق برخی حالات را عمومیت داد و نمیتوان گفت طفلی که با چنین خصوصیات اندامی بدنیا آمده خواه ناخواه تبه کار خواهد شد و یا بعبارت دیگر فرضیه ساختمانی تبه کاری اساس و بنیان متقنی ندارد گذشته از آنهاد نظر دانشمندان فرانسوی چگونگی تربیت و پیش آمدهای اجتماعی و وقایع زندگانی از عوامل مهمه پیدایش تبه کاری بشمار میروند. موضوع میزان تأثیر